

تعارض قوانین وراثت در فضای دیجیتال ابری

محمد مهدی عزیزاللهی^۱ / زهرا کردزاده^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

کدمقاله: JHVMN-۲۶۱۰-۱۳۶۴

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی به بررسی تعارض قوانین در وراثت دارایی‌های دیجیتال، با تمرکز بر دارایی‌های ذخیره‌شده در بسترهای ابری و پلتفرم‌های خارجی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، می‌پردازد. روش تحقیق از حیث هدف، بنیادی و از حیث ماهیت، تحلیلی - تطبیقی است. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعه اسناد قانونی، مقررات داخلی و خارجی، آرای قضایی، دکترین حقوقی و مقالات علمی معتبر گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق ایران، اصل انتقال قهری ترکه به‌عنوان قاعده‌ای آمره، کلیه اموال متوفی اعم از مادی و غیرمادی را دربرمی‌گیرد و دارایی‌های دیجیتال نیز با توجه به مالیت عرفی، قابلیت انتفاع عقلایی و امکان اختصاص، جزء ترکه محسوب می‌شوند. با این حال، فقدان مقررات خاص درباره ترکه دیجیتال، همراه با ماهیت فناورانه این دارایی‌ها و وابستگی آن‌ها به ابزارهای دسترسی، اجرای مؤثر حقوق وراثت را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در مقابل، در نظام حقوقی ایالات متحده، تقدم حریم خصوصی و شروط قراردادی خدمات دیجیتال بر قواعد سنتی ارث، موجب محدود شدن اصل انتقال قهری و وابستگی دسترسی وراثت به رضایت پیشین متوفی یا تصمیم مرجع قضایی می‌شود. افزون بر این، تحریم‌های مالی و فناورانه، تحقق عملی حقوق وراثت ایرانی را با موانع مضاعف روبه‌رو کرده است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که تعارض میان قانون شخصی متوفی در حقوق ایران و قانون محل استقرار زیرساخت‌های دیجیتال در حقوق آمریکا، به تضعیف امنیت حقوقی و عدالت ارثی در فضای دیجیتال منجر می‌شود؛ امری که لزوم تدوین قانون خاص ارث دیجیتال، رسمیت‌بخشی به وصیت‌نامه دیجیتال و تلاش برای هماهنگی حقوقی بین‌المللی را برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: تعارض قوانین، وراثت دیجیتال، دارایی‌های ابری، انتقال قهری ترکه، شروط قراردادی، حریم خصوصی دیجیتال.

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. mm.azizollahi@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
kordzadehzahra@gmail.com



مقدمه

تحول دیجیتال در دهه‌های اخیر، مفهوم سنتی دارایی و مالکیت را دگرگون کرده و گونه‌ای نوین از اموال را پدید آورده است که نه ماهیت کاملاً مادی دارند و نه در چارچوب‌های کلاسیک حقوق خصوصی به راحتی قابل تحلیل‌اند، به‌ویژه دارایی‌هایی که در بستر فضای مجازی و خدمات ابری شکل گرفته‌اند و وابستگی شدیدی به زیرساخت‌های فناوریانه و قراردادی دارند (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). این تحول، حقوق ارث را که از پایدارترین نهادهای حقوق مدنی محسوب می‌شود، با چالش‌های مفهومی و اجرایی جدیدی مواجه کرده است، زیرا انتقال قهری دارایی‌های دیجیتال پس از فوت، مستلزم بازتعریف حدود مالکیت، قابلیت انتقال و شناسایی حقوق ورثه است (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳).

دارایی‌های دیجیتال شامل طیف گسترده‌ای از ارزش‌های اقتصادی و غیراقتصادی نظیر رمزارزها، داده‌های شخصی، آثار هنری دیجیتال، حساب‌های کاربری و مکاتبات الکترونیکی است که اغلب در بستر سامانه‌های ابری ذخیره و مدیریت می‌شوند (ملک‌زاده، ۱۴۰۴). ویژگی اصلی این دارایی‌ها، غیرمتمرکز بودن مکانی و وابستگی آن‌ها به ارائه‌دهندگان خدمات خصوصی است؛ امری که موجب می‌شود قواعد سنتی تعیین محل مال و قانون حاکم بر آن با ابهام جدی روبه‌رو شود (جدیدی سرای و ایزدخواه، ۱۴۰۴). در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم شناسایی کلی اموال غیرمادی و پذیرش قابلیت تملک آن‌ها، هنوز چارچوب جامع و صریحی برای تعیین وضعیت دارایی‌های دیجیتال در فرآیند ارث وجود ندارد و تحلیل این دارایی‌ها عمدتاً از طریق قواعد عام حقوق مدنی و نظریه‌های مالکیت صورت می‌گیرد (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳). در این چارچوب، اصل انتقال قهری ترکه به ورثه پذیرفته شده است، اما اجرای این اصل در خصوص دارایی‌هایی که در فضای ابری و تحت کنترل اشخاص ثالث قرار دارند، با موانع حقوقی و فنی قابل توجهی مواجه است (میرشکاری و فتاحی، ۱۴۰۰).

پیچیدگی موضوع زمانی افزایش می‌یابد که دارایی‌های دیجیتال متوفی در بستر خدمات ابری شرکت‌هایی مستقر در ایالات متحده آمریکا ذخیره شده باشد، زیرا این شرکت‌ها تابع نظام حقوقی خاصی هستند که حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی را حتی پس از فوت کاربر، در اولویت قرار می‌دهد (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). در چنین وضعیتی، ورثه ایرانی نه تنها با حقوق داخلی ایران، بلکه با قواعد آمره و سیاست‌های عمومی نظام حقوقی خارجی مواجه می‌شوند که ممکن است

دسترسی آن‌ها به ترکه دیجیتال را محدود یا غیرممکن سازد (تقی‌پور درزی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۴). از منظر حقوق تطبیقی، مسئله وراثت دیجیتال به‌عنوان یکی از مباحث نوظهور حقوق خصوصی مورد توجه قرار گرفته و نشان داده است که نظام‌های حقوقی مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به انتقال دارایی‌های دیجیتال پس از فوت اتخاذ کرده‌اند (سزوالدر، ۲۰۲۳). برخی نظام‌ها بر اراده پیشین متوفی و تنظیمات قراردادی تأکید دارند، در حالی که برخی دیگر حقوق ورثه را امتداد طبیعی مالکیت می‌دانند و مداخله قراردادی را محدود می‌کنند (بساراب، ۲۰۲۰). در این میان، حقوق ایالات متحده آمریکا با اتکا بر مقررات خاص دسترسی امینان^۱ به دارایی‌های دیجیتال و قوانین سخت‌گیرانه حفاظت از ارتباطات الکترونیکی، رویکردی مبتنی بر تفکیک میان داده‌های محتوایی و غیرمحتوایی اتخاذ کرده است که آثار مستقیمی بر امکان دسترسی ورثه دارد (شریدن، ۲۰۲۰). این رویکرد، بیش از آنکه بر قواعد سنتی ارث مبتنی باشد، متأثر از منطق قراردادی و ملاحظات حریم خصوصی است (هاربینجا، ۲۰۲۲).

هم‌زمان، شرایط استفاده از خدمات ابری که کاربران در زمان حیات خود می‌پذیرند، به‌عنوان یکی از ابزارهای تنظیم روابط حقوقی پس از فوت مطرح شده و در بسیاری موارد، به‌طور ضمنی یا صریح، حدود دسترسی اشخاص ثالث از جمله ورثه را مشخص می‌کند (ایکلر، ۲۰۱۶). این شرایط، به دلیل ماهیت قراردادی و فراملی خود، نقش مهمی در شکل‌دهی به تعارض قوانین ایفا می‌کنند و می‌توانند قواعد داخلی ارث را به چالش بکشند (اگروال و نات، ۲۰۲۵). در حقوق ایران، هرچند اصل حاکمیت اراده در قراردادها پذیرفته شده است، اما این اصل با قواعد آمره ارث و نظم عمومی محدود می‌شود و توافقاتی که منجر به تضییع حقوق قانونی ورثه شود، محل تردید جدی است (خجندی جزی و همکاران، ۱۴۰۴). این رویکرد، در تعارض با نظام‌های حقوقی‌ای قرار می‌گیرد که اولویت را به تنظیمات قراردادی کاربر و سیاست‌های حفاظتی داده‌ها می‌دهند (محمودی پرچینی و همکاران، ۱۴۰۳). فضای ابری، به‌عنوان بستر اصلی نگهداری دارایی‌های دیجیتال، مرزهای جغرافیایی را کم‌رنگ کرده و موجب شده است که مفهوم «محل مال» در تعارض قوانین با ابهام مواجه شود (هاربینجا و پیرس، ۲۰۲۰). در چنین شرایطی، تعیین قانون حاکم بر وراثت دارایی‌های دیجیتال، دیگر صرفاً تابع

^۱ Fiduciaries.

تابعیت متوفی یا اقامتگاه او نیست، بلکه به محل استقرار سرورها، مقررات داخلی کشور میزبان و سیاست‌های شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات نیز وابسته می‌شود (ادواردز و هاربینجا، ۲۰۱۳). این وضعیت، به‌ویژه برای کاربران ایرانی که حساب‌های متعددی در سرویس‌های ابری آمریکایی دارند، چالش‌برانگیز است، زیرا از یک سو، حقوق ایران، ارث را تابع قانون شخصی متوفی می‌داند و از سوی دیگر، حقوق ایالات متحده، دسترسی به داده‌ها را منوط به مقررات داخلی و شروط قراردادی می‌کند (تقی‌پور درزی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۴). در این چارچوب، مسئله تعارض قوانین در وراثت دیجیتال فضای ابری، به یکی از مباحث بنیادین حقوق خصوصی معاصر تبدیل شده است که نیازمند تحلیل دقیق مبانی نظری، قواعد حاکم و پیامدهای عملی آن برای ورثه است. پرسش از این‌که کدام قانون باید بر انتقال دارایی‌های دیجیتال پس از فوت حاکم باشد، مستقیماً با اصول حاکم بر حاکمیت قانون، نظم عمومی و حمایت از حقوق اشخاص مرتبط است. با وجود گسترش استفاده از خدمات ابری آمریکایی توسط کاربران ایرانی، خلأ قابل توجهی در تحلیل منسجم تعارض قوانین حاکم بر وراثت این دارایی‌ها مشاهده می‌شود. مشخص نیست در وضعیتی که یک کاربر ایرانی دارای رمزارز، داده‌های شخصی، آثار هنری دیجیتال و مکاتبات محرمانه در حساب‌های ابری خود است و فوت می‌کند، ورثه او بر اساس کدام نظام حقوقی می‌توانند به این دارایی‌ها دسترسی پیدا کنند و حدود این دسترسی چگونه تعیین می‌شود. ابهام اصلی در اینجا است که آیا قانون محل استقرار سرور و مقررات داخلی ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان قانون کشور میزبان خدمات ابری، بر ارث این دارایی‌ها حاکم است یا قانون ایران به‌عنوان قانون شخصی متوفی باید اعمال شود. همچنین روشن نیست که شرایط استفاده‌ای که کاربر در زمان حیات پذیرفته است، تا چه حد می‌تواند بر قواعد تعارض قوانین و حقوق آمره وراثت غلبه کند و دسترسی آنان را محدود یا منتفی سازد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که در فرض فوت یک کاربر ایرانی دارای دارایی‌های دیجیتال ذخیره‌شده در خدمات ابری آمریکایی، تعارض میان قانون ایران و ایالات متحده آمریکا در حوزه وراثت دیجیتال چگونه قابل تحلیل است و آیا شروط قراردادی خدمات ابری می‌توانند در این تعارض، بر قواعد سنتی ارث و تعارض قوانین غلبه پیدا کنند؟

۱- مبانی نظری

۱-۱- دارایی‌های دیجیتال

در حقوق خصوصی معاصر، دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور، مفاهیم سنتی مال و مالکیت را با چالش‌های نظری و کاربردی مواجه کرده‌اند و ضرورت بازخوانی جایگاه آن‌ها در نظام حقوقی را ایجاد کرده‌اند (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). این دارایی‌ها شامل مجموعه‌ای از ارزش‌های اقتصادی و غیراقتصادی هستند که در بستر فناوری اطلاعات ایجاد، ذخیره و منتقل می‌شوند و برخلاف اموال مادی، فاقد وجود فیزیکی مستقل‌اند، اما قابلیت اختصاص، انتفاع و انتقال دارند (ملک‌زاده، ۱۴۰۴). در حقوق خصوصی ایالات متحده آمریکا، دارایی‌های دیجیتال به‌طور کلی در زمره اموال قرار می‌گیرند و شمول آن‌ها بر رمزارزها، داده‌های شخصی، آثار هنری دیجیتال و مکاتبات الکترونیکی مورد پذیرش قرار گرفته است (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). این دارایی‌ها تحت حمایت قانون حفظ محرمانگی ارتباطات ذخیره‌شده قرار دارند و به‌عنوان اطلاعات الکترونیکی ذخیره‌شده، از دسترسی غیرمجاز مصون هستند، امری که نشان‌دهنده پیوند میان مفهوم مالکیت و حریم خصوصی در این حوزه است (شریدن، ۲۰۲۰). همچنین، قانون اصلاحی دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال، دارایی دیجیتال را به‌عنوان سابقه الکترونیکی قابل کنترل تعریف می‌کند که می‌تواند موضوع حقوق مالکانه قرار گیرد و تحت سلطه دارنده ابزارهای دسترسی باشد (تقی‌پور درزی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۴).

در اسناد بین‌المللی حقوق خصوصی نیز، دارایی دیجیتال به‌عنوان داده یا سابقه الکترونیکی قابل کنترل شناسایی شده است که قابلیت تعلق به شخص معین و اعمال سلطه حقوقی را دارد و حتی می‌تواند با دارایی‌های مرتبط دیگر پیوند بخورد (سوایدلر، ۲۰۲۳). این رویکرد، بر عنصر «کنترل» به‌عنوان جایگزین تصرف مادی تأکید دارد و نشان می‌دهد که مالکیت در فضای دیجیتال بیش از آنکه مبتنی بر عینیت فیزیکی باشد، بر دسترسی انحصاری و توانایی اعمال اراده استوار است (هاربینجا، ۲۰۲۲). در حقوق خصوصی ایران، هرچند قانون‌گذار به‌طور صریح به مفهوم دارایی دیجیتال نپرداخته است، اما با پذیرش مفهوم مال در ماده نوزده قانون مدنی، امکان شمول اموال غیرمادی بر دارایی‌های دیجیتال فراهم شده است (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳). داده‌های دیجیتال نیز بر اساس قانون جرائم رایانه‌ای، به‌عنوان اطلاعات قابل حمایت شناسایی شده‌اند و دسترسی غیرمجاز

به آن‌ها جرم‌انگاری شده است که این امر، دلالت ضمنی بر مالیت و ارزش حقوقی این داده‌ها دارد (محمودی پرچینی و همکاران، ۱۴۰۳). رمزارزها و دارایی‌های مشابه در حقوق ایران، علی‌رغم فقدان قانون خاص، بر اساس اصول فقهی مانند مالیت، انتفاع عقلایی و قابلیت اختصاص، به‌عنوان مال غیرمادی قابل تحلیل هستند و می‌توانند موضوع حقوق خصوصی قرار گیرند (خجندی جزی و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، حساب‌های کاربری و دارایی‌های وابسته به آن‌ها، به‌عنوان حق مالی قابل انتقال تلقی می‌شوند، هرچند اعمال این انتقال در عمل با محدودیت‌های قراردادی و فنی همراه است (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳). بر مبنای ماده ده قانون مدنی، قراردادهای مرتبط با دارایی‌های دیجیتال از حیث اصل حاکمیت اراده معتبر تلقی می‌شوند، مگر آنکه مخالف نظم عمومی یا قواعد آمره باشند، که این امر جایگاه این دارایی‌ها را در قلمرو حقوق خصوصی تقویت می‌کند (میرشکاری و فتاحی، ۱۴۰۰). با این حال، در حوزه ارث، فقدان تعریف دقیق دارایی دیجیتال در مواد مربوط به ارث قانون مدنی، موجب ابهام در شمول صریح این دارایی‌ها بر ترکه شده است (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳).

۱-۲- وراثت دارایی‌های دیجیتال و شمول اصل انتقال قهری ترکه بر اموال غیرمادی

در حقوق خصوصی معاصر، وراثت دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان امتداد طبیعی نهاد ارث، ذیل اصل انتقال قهری ترکه تحلیل می‌شود و پرسش اصلی آن است که آیا اموال غیرمادی دیجیتال نیز همانند اموال مادی، به‌محض فوت مورث، به وراثت منتقل می‌شوند یا خیر (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳). با گسترش دارایی‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات، از جمله رمزارزها، حساب‌های کاربری و داده‌های ذخیره‌شده در فضای ابری، ضرورت تبیین شمول قواعد سنتی ارث بر این دسته از اموال بیش از پیش آشکار شده است (جدیدی سرای و ایزدخواه، ۱۴۰۴). در حقوق ایالات متحده آمریکا، وراثت دارایی‌های دیجیتال عمده‌تاً تحت چارچوب قانون اصلاحی دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال قرار می‌گیرد که امکان اعمال اصل انتقال قهری بر اموال غیرمادی را به رسمیت می‌شناسد، مشروط بر آنکه متوفی در زمان حیات خود رضایت صریح به دسترسی امین یا وراثت داده باشد (تقی‌پور درزی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۴). در این نظام، دارایی‌های دیجیتال از جمله رمزارزها، به‌عنوان مال شناخته

می‌شوند و در صورت تحقق شرایط قانونی، می‌توانند موضوع انتقال قهری از طریق وصیت یا ارث قانونی قرار گیرند (شریدن، ۲۰۲۰).

با این حال، اعمال اصل انتقال قهری در حقوق آمریکا با محدودیت‌های جدی ناشی از قواعد حمایت از حریم خصوصی مواجه است، به گونه‌ای که قوانین فدرال مربوط به محرمانگی ارتباطات الکترونیکی، افشای محتوای داده‌ها را بدون رضایت صریح ممنوع می‌داند و این امر می‌تواند دسترسی وراث را محدود سازد (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). افزون بر این، در صورت فقدان رضایت متوفی، شرایط استفاده از خدمات دیجیتال بر قواعد ارث مقدم دانسته می‌شود و انتقال قهری عملاً تابع قراردادهای خصوصی قرار می‌گیرد (بساراب، ۲۰۲۰). در نظام حقوقی ایران، اصل انتقال قهری ترکه به‌صراحت در قانون مدنی پذیرفته شده و مطابق ماده هشتصد و شصت و هفت، کلیه اموال متوفی اعم از مادی و غیرمادی به وراث منتقل می‌شود (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳). با توجه به تعریف مال در ماده نوزده قانون مدنی، دارایی‌های دیجیتال را می‌توان در زمره اموال منقول غیرمادی دانست که قابلیت انتقال قهری دارند و مشمول قواعد سهم‌الارث قرار می‌گیرند (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). در عمل، انتقال قهری دارایی‌های دیجیتال در حقوق ایران از طریق اخذ گواهی انحصار وراثت و اعمال قواعد قانون امور حسبی انجام می‌شود، هرچند فقدان مقررات خاص در خصوص نحوه دسترسی به این دارایی‌ها، ابهامات اجرایی قابل توجهی ایجاد کرده است (ملک‌زاده، ۱۴۰۴). همچنین، اعتبار وصیت نسبت به دارایی‌های دیجیتال محدود به یک‌سوم ترکه است و مازاد بر آن نیازمند تنفیذ وراث خواهد بود (میرشکاری و فتاحی، ۱۴۰۰). از منظر فقه شیعه، معیار مالیت بر پایه قابلیت انتفاع عقلایی و اختصاص استوار است و بر این اساس، دارایی‌های دیجیتال مانند رمزارزها واجد مالیت تلقی می‌شوند و می‌توانند موضوع ارث قرار گیرند (خجندی جزی و همکاران، ۱۴۰۴). با این حال، عدم تصریح قانون‌گذار به ماهیت و حدود این دارایی‌ها، موجب بروز تعارض میان قواعد آمره ارث و شروط قراردادی خدمات دیجیتال شده است (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳).

۱-۳- ماهیت حقوقی خدمات ابری و حساب‌های کاربری و آثار آن بر حقوق وراث

ماهیت حقوقی خدمات ابری و حساب‌های کاربری در نظام‌های حقوقی معاصر، به‌ویژه در بستر وراثت، مستلزم تحلیل هم‌زمان قواعد قراردادهای، اموال و حریم خصوصی است. خدمات ابری به‌طور کلی

مبتنی بر ارائه فضای ذخیره سازی و پردازش داده از طریق بسترهای دیجیتال هستند و رابطه میان ارائه دهنده و کاربر، ماهیتی قراردادی دارد که حقوق و تعهدات طرفین را تعیین می کند (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). این ویژگی قراردادی، نقش تعیین کننده ای در سرنوشت حقوقی حساب های کاربری پس از فوت دارنده آن ایفا می کند و آثار مستقیمی بر حقوق وراثت بر جای می گذارد (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳). در حقوق ایالات متحده آمریکا، خدمات ابری ذیل مفهوم خدمات پردازش رایانشی از راه دور شناسایی می شوند و حساب های کاربری به عنوان بخشی از قرارداد خدماتی میان کاربر و ارائه دهنده تلقی می گردند، به گونه ای که اصل بر عدم تملک عینی کاربر بر بستر فنی و صرفاً برخورداری از حق استفاده است (ایران نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). با وجود این، قانون اصلاحی دسترسی امینان به دارایی های دیجیتال، حساب های کاربری و داده های وابسته به آن ها را در زمره سوابق الکترونیکی قابل انتقال به وراثت یا امینان قانونی شناسایی کرده است، هرچند اعمال این حق منوط به رعایت اراده پیشین متوفی و شرایط قراردادی خدمات است (تقی پور درزی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۴). یکی از مهم ترین آثار ماهیت قراردادی حساب های کاربری در حقوق آمریکا، تقدم شروط استفاده از خدمات بر قواعد عمومی ارث است، به نحوی که در صورت فقدان رضایت صریح متوفی، دسترسی وراثت به محتوای حساب محدود یا ممنوع می شود و صرفاً با حکم مرجع قضایی امکان پذیر است (ایران نژاد و همکاران، ۱۴۰۱). این رویکرد، بر حمایت حداکثری از حریم خصوصی متوفی استوار است و دارایی های دیجیتال را از منظر ماهوی، اموالی غیرمادی می داند که دسترسی به آن ها تابع مجوز قانونی و قراردادی است (هاربینجا، ۲۰۲۰).

در مقابل، در حقوق ایران، خدمات ابری بر اساس اصل آزادی قراردادها و ماده ده قانون مدنی، به عنوان قراردادهای خدماتی معتبر شناخته می شوند و حساب های کاربری، با توجه به قابلیت انتفاع عقلایی و اختصاص، در زمره اموال غیرمادی و دارایی های شخصی قرار می گیرند (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). بر این اساس، حساب های کاربری و داده های وابسته به آن ها، در اصل مشمول قاعده انتقال قهری ترکه هستند و به محض فوت مورث، به وراثت منتقل می شوند (ایوبی و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، فقدان قانون خاص در زمینه دارایی های دیجیتال، موجب بروز چالش های اجرایی در اعمال حقوق وراثت شده است. قانون جرائم رایانه ای، حساب های کاربری را مورد حمایت کیفری قرار می دهد، اما سازوکار

روشنی برای دسترسی وراثت پیش‌بینی نکرده است و در عمل، وراثت ناگزیر از ارائه گواهی انحصار وراثت و اثبات سمت قانونی خود هستند (ملک‌زاده، ۱۴۰۴). در این میان، شروط قراردادی خدمات ابری، در صورتی که منجر به سلب کلی حق وراثت شوند، می‌توانند به دلیل تعارض با نظم عمومی و قواعد آمره ارث، بی‌اعتبار تلقی گردند (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳).

۱-۴- جایگاه شروط قراردادی خدمات ابری در تعارض با قواعد آمره ارث و نظم عمومی

گسترش خدمات ابری و انتقال بخش قابل‌توجهی از دارایی‌ها و اطلاعات اشخاص به بسترهای دیجیتال، موجب برجسته شدن تعارض میان شروط قراردادی ارائه‌دهندگان خدمات ابری و قواعد آمره ارث و نظم عمومی شده است؛ تعارضی که به‌ویژه پس از فوت کاربر و در مقام تعیین حدود حقوق وراثت اهمیت مضاعف می‌یابد (ایوبی و دیگران، ۱۴۰۳). در این چارچوب، قراردادهای خدمات ابری که غالباً به‌صورت الحاقی و مبتنی بر اراده یک‌جانبه شرکت‌های ارائه‌دهنده تنظیم می‌شوند، تلاش می‌کنند با تعیین حدود دسترسی، انتقال‌پذیری یا حتی زوال حساب کاربری پس از فوت، وضعیت حقوقی دارایی‌های دیجیتال را خارج از قواعد سنتی ارث سامان‌دهی کنند (وصالی ناصح و رحمانی، ۱۴۰۳). در حقوق ایالات متحده آمریکا، مبنای تحلیل جایگاه شروط قراردادی خدمات ابری در تعارض با ارث، پیوند تنگاتنگی با قواعد حریم خصوصی داده‌ها دارد؛ زیرا هرچند حریم خصوصی پس از فوت به‌طور کلی تضعیف می‌شود، اما داده‌های شخصی همچنان تحت حمایت قوانین خاص قرار دارند (ایران‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۱). قانون ذخیره‌سازی ارتباطات، افشای محتوای ارتباطات الکترونیکی را بدون رضایت کاربر ممنوع دانسته و این ممنوعیت را حتی پس از فوت نیز معتبر تلقی می‌کند، به‌گونه‌ای که وراثت تنها در حدودی محدود و عمدتاً نسبت به فهرست داده‌ها حق مطالبه دارند و دسترسی به محتوای واقعی نیازمند حکم قضایی است (تقی‌پور درزی نقیعی و دیگران، ۱۴۰۴). در چنین وضعیتی، قانون دسترسی امانی به دارایی‌های دیجیتال، ضمن شناسایی اصل دسترسی وراثت یا قائم‌مقام قانونی، صراحتاً تقدم قوانین فدرال حریم خصوصی را بر اراده وراثت و حتی بر مفاد برخی وصایا تأکید می‌کند و در نتیجه، شروط قراردادی خدمات ابری را در چارچوب همین محدودیت‌ها معتبر می‌داند (شریدن، ۲۰۲۰).

با وجود این، در حقوق آمریکا، برتری مطلق شروط قراردادی نیز پذیرفته نشده است؛ زیرا هرگاه مفاد قرارداد خدمات ابری به گونه‌ای تنظیم شود که به طور آشکار با نظم عمومی یا قواعد آمره حمایت از داده‌های شخصی تعارض داشته باشد، دادگاه‌ها می‌توانند از اجرای آن خودداری کنند (هارینجا، ۲۰۲۲). با این حال، رویه غالب قضایی نشان می‌دهد که در فقدان دستور صریح کاربر پیش از فوت، دادگاه‌ها به شروط قراردادی و سیاست‌های داخلی شرکت‌ها تمایل بیشتری دارند و این امر عملاً موجب محدود شدن دامنه اعمال قواعد ارث سنتی در حوزه دارایی‌های دیجیتال می‌شود (ادواردز و هارینجا، ۲۰۱۳). در حقوق ایران، وضعیت از حیث نظری متفاوت است؛ زیرا اصل انتقال قهری ترکه به‌عنوان یک قاعده آمره، تمامی اموال و حقوق مالی متوفی را شامل می‌شود، مگر آنکه دلیل قانونی بر استثنا وجود داشته باشد (ملک‌زاده، ۱۴۰۴). بر این اساس، دارایی‌های دیجیتال، اعم از حساب‌های کاربری، داده‌های ذخیره‌شده و حقوق مالی ناشی از آن‌ها، در زمره ترکه قرار می‌گیرند و اصولاً به وراثت منتقل می‌شوند (میرشکاری و فتاحی کتی‌لته، ۱۴۰۰). در عین حال، حریم خصوصی اشخاص در نظام حقوقی ایران، جایگاهی مرتبط با نظم عمومی دارد و قانون اساسی و قانون جرائم رایانه‌ای، محرمانگی داده‌های شخصی را مورد حمایت قرار داده‌اند، به گونه‌ای که نقض آن حتی با توافق خصوصی نیز مجاز نیست (محمودی پرچینی و دیگران، ۱۴۰۳).

در این چارچوب، ماده مربوط به آزادی قراردادی در حقوق ایران، هرچند اعتبار شروط قراردادی را به رسمیت می‌شناسد، اما آن را مقید به عدم مخالفت با قانون، شرع و نظم عمومی می‌داند؛ بنابراین، شروط قراردادی خدمات ابری که به طور کلی انتقال‌پذیری دارایی دیجیتال پس از فوت را نفی می‌کنند یا وراثت را از هرگونه دسترسی محروم می‌سازند، در تعارض مستقیم با قواعد آمره ارث قرار می‌گیرند و از این حیث، فاقد اعتبار حقوقی هستند (جدیدی سرای و ایزدخواه، ۱۴۰۴). افزون بر این، در فقه شیعه نیز اصل تسلط مالک و انتقال حقوق مالی او به وراثت پس از فوت، پذیرفته شده و محدودیت‌های ناشی از حریم خصوصی، ناظر بر جنبه‌های غیرمالی و شخصی است، نه نفی کلی حق وراثت (وصالی ناصح، ۱۳۹۷). از منظر تعارض قوانین، در حقوق آمریکا، قانون دسترسی امانی به دارایی‌های دیجیتال، با تأکید بر محل استقرار ارائه‌دهنده خدمات و سیاست‌های قراردادی، عملاً قانون حاکم آمریکا را بر روابط وراثت خارجی نیز تحمیل می‌کند و این امر به تقویت نقش شروط قراردادی

در برابر قواعد ارث ملی منجر می‌شود (تقی‌پور درزی نقیبی و دیگران، ۱۴۰۴). در مقابل، در حقوق ایران، قواعد حل تعارض، قانون شخصی متوفی ایرانی را حاکم بر ارث می‌دانند و این قاعده، امکان پذیرش بی‌قید و شرط شروط قراردادی خارجی را محدود می‌سازد، به‌ویژه زمانی که نتیجه اجرای شرط، محرومیت کامل وراثت از حقوق قانونی باشد (خجندی جزی و دیگران، ۱۴۰۴).

۲- الزامات حقوق داخلی ایران برای دسترسی به ترکه دیجیتال

در عصر دیجیتال، دارایی‌های نوپه‌پوری همچون رمزارزها، حساب‌های الکترونیکی، داده‌های شخصی و آثار دیجیتال به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی افراد تبدیل شده‌اند. با این حال، نظام حقوقی ایران، که عمدتاً بر پایه قوانین سنتی مانند قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی) و قانون امور حسبی (مصوب ۱۳۱۹) استوار است، هنوز فاقد مقررات خاص برای ارث‌بری این دارایی‌هاست. یافته‌ها نشان می‌دهد که در غیاب قوانین خاص، قواعد عام ارث قابل اعمال است، اما موانع فنی و حقوقی، به ویژه در پلتفرم‌های خارجی، دسترسی وراثت را دشوار می‌سازد. این بخش بر پایه مواد قانونی مرتبط و رویکرد فقهی - حقوقی ایران تدوین شده است. مطابق نظام حقوقی ایران، انتقال ترکه به وراثت به صورت قهری و از لحظه فوت مورث تحقق می‌یابد. ماده ۸۶۷ قانون مدنی صریحاً مقرر می‌دارد: «ارث به مرگ حقیقی یا به مرگ فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند.» این انتقال قهری، بر پایه دو موجب نسب و سبب (ماده ۸۶۱ قانون مدنی) استوار است، که نسب به طبقات سه‌گانه وراثت (ماده ۸۶۲: پدر و مادر و اولاد؛ اجداد و برادر و خواهر؛ اعمام و عمت و احوال و خالات) و سبب به زوجیت اشاره دارد. با این حال، مالکیت وراثت بر ترکه تنها پس از پرداخت دیون و اجرای وصایا مستقر می‌شود (ماده ۸۶۸ قانون مدنی). ماده ۸۶۹ این قانون اولویت‌های پرداخت از ترکه را مشخص می‌کند: اول، هزینه کفن و حقوق متعلق به اعیان ترکه (مانند رهن)؛ دوم، دیون و واجبات مالی متوفی؛ سوم، وصایا تا ثلث ترکه بدون اجازه وراثت و مازاد بر آن با اجازه ایشان. برای اعمال حقوق وراثت بر ترکه، اخذ گواهی حصر وراثت الزامی است. این گواهی، بر اساس قانون امور حسبی، ابزار حقوقی شناسایی وراثت، تعیین سهم‌الارث و امکان تصرف قانونی است. ماده ۳۶۰ قانون امور حسبی مقرر می‌دارد که وراثت یا ذی‌نفعان می‌توانند با درخواست کتبی مشتمل بر مشخصات متوفی و وراثت، گواهی را از شورای حل اختلاف (مرجع صالح فعلی بر اساس بند ۹ ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴) مطالبه کنند.

فرآیند شامل انتشار آگهی (ماده ۳۶۱) برای اطلاع عمومی و امکان اعتراض است. پس از انقضای مهلت یک‌ماهه، در صورت عدم اعتراض، دادگاه گواهی صادر می‌کند (ماده ۳۶۲). برای ترکه کمتر از ۱۰ میلیون ریال (ماده ۳۶۴)، بدون آگهی اقدام می‌شود. تبصره ماده ۳۶۱ اجازه آگهی محلی را در مناطق فاقد روزنامه می‌دهد. این گواهی نه تنها وراثت را تعیین می‌کند، بلکه برای ثبت اموال غیرمنقول (ماده ۳۷۴) ضروری است. در زمینه ترکه دیجیتال، گواهی حصر وراثت کلیدی است، زیرا وراثت بدون آن نمی‌تواند ادعای مالکیت بر رمزارزها یا حساب‌های الکترونیکی کند. با این حال، تحلیل نشان می‌دهد که این گواهی تنها جنبه حقوقی را پوشش می‌دهد و دسترسی فنی (مانند کلید خصوصی رمزارزها) را تضمین نمی‌کند. فقه شیعه، که مبنای قوانین ارث ایران است (اصل ۴ قانون اساسی)، ارث را حق شرعی می‌داند، اما در غیاب نص خاص برای دارایی‌های دیجیتال، قیاس بر اموال سنتی اعمال می‌شود. در فقدان قانون خاص، دارایی‌های دیجیتال ذیل عنوان مال منقول قرار می‌گیرند. قانون مدنی اموال را به منقول و غیرمنقول تقسیم می‌کند (ماده ۱۲: اموال بر دو قسم است: منقول و غیرمنقول). ماده ۱۹ قانون مدنی مال منقول را «اموالی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به خود یا به محل آن خرابی وارد آید» تعریف می‌کند. رمزارزها، داده‌های شخصی، آثار دیجیتال و حساب‌های الکترونیکی، به عنوان اموال غیرمادی و قابل انتقال، منقول تلقی می‌شوند. این طبقه‌بندی بر پایه مالیت عرفی استوار است (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، که از مفهوم مخالف آن، مالیت را برای اموال نوظهور تأیید می‌کند). مقالات حقوقی مانند «جایگاه ارث اموال دیجیتالی در حقوق ایران» (آیوبی، ۱۴۰۳) تأکید می‌کنند که رمزارزها، با وجود عدم شناسایی رسمی در قوانین پولی (مانند قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱)، دارای مالیت شرعی و عرفی هستند و می‌توانند بخشی از ترکه باشند.

با این حال، تحلیل تحلیلی نشان می‌دهد که این طبقه‌بندی چالش‌برانگیز است. رمزارزها، برخلاف اموال سنتی، فاقد وجود فیزیکی هستند و مالکیت آن‌ها بر پایه کلیدهای دیجیتال است. قانون تجارت الکترونیکی (مصوب ۱۳۸۲) در ماده ۲، داده‌پیام را به رسمیت می‌شناسد، اما ارث آن را پوشش نمی‌دهد. پیش‌نویس الزامات رمزارزها توسط بانک مرکزی (۱۳۹۷) و مصوبه هیئت وزیران (۱۳۹۸) استخراج رمزارز را قانونی می‌دانند، اما ارث آن را مسکوت گذاشته‌اند. بنابراین، وراثت می‌تواند رمزارزها

را به عنوان مال منقول مطالبه کنند (ماده ۸۶۸ قانون مدنی)، اما اثبات مالکیت نیاز به ادله دیجیتال دارد. تحقق حق وراثت بر دارایی‌های دیجیتال منوط به دسترسی فنی و شناسایی حقوقی است. در سامانه‌های داخلی، گواهی حصر وراثت کافی است، اما در پلتفرم‌های خارجی (مانند بایننس یا اینستاگرام)، تحریم‌ها و سیاست‌های محرمانگی مانع هستند. ماده ۱۸ قانون تجارت الکترونیکی، داده‌پیام را معتبر می‌داند، اما دسترسی به حساب‌های خارجی نیاز به حکم قضایی دارد. چالش اصلی، فقدان کلید خصوصی است؛ بدون آن، رمزارزها غیرقابل دسترسی‌اند، حتی اگر بخشی از ترکه باشند (ماده ۸۶۹ قانون مدنی برای پرداخت دیون). تحلیل فقهی نشان می‌دهد که وصیت (ماده ۸۲۶ قانون مدنی: وصیت تملیکی تا ثلث ترکه) می‌تواند راه‌حل باشد. مورث می‌تواند کلیدها را در وصیت بگنجاند، اما وصیت‌نامه باید رسمی یا سری باشد (ماده ۲۷۶ قانون امور حسبی). چالش دیگر، ارزش‌گذاری است؛ رمزارزها نوسانی هستند و ماده ۲۱۵ قانون مدنی مالیت را شرط معامله می‌داند. نظام حقوقی ایران، با تکیه بر قواعد عام قانون مدنی و امور حسبی، دارایی‌های دیجیتال را به عنوان مال منقول در ترکه می‌پذیرد، اما چالش‌های دسترسی فنی و عدم قوانین خاص، حقوق وراثت را تهدید می‌کند. مواد ۸۶۹-۸۶۱ قانون مدنی و ۳۷۴-۳۶۰ قانون امور حسبی پایه‌های حقوقی هستند، اما برای سامانه‌های خارجی ناکافی‌اند.

۳- محدودیت‌های ناشی از حقوق ایالات متحده در دسترسی به دارایی‌های دیجیتال

در جهان دیجیتال معاصر، دارایی‌های نوپدید همچون رمزارزها، حساب‌های الکترونیکی، داده‌های شخصی و آثار دیجیتال بخش قابل توجهی از ترکه افراد را تشکیل می‌دهند. با این حال، برای وراثت ایرانی که مورث آنان دارایی‌های دیجیتال در سامانه‌های آمریکایی دارد، دسترسی به این دارایی‌ها با محدودیت‌های سخت‌گیرانه در نظام حقوقی ایالات متحده مواجه است. این نوشتار به تحلیل این محدودیت‌ها می‌پردازد و بر ضرورت تبعیت از قوانین آمریکا پس از اخذ گواهی انحصار وراثت در ایران، نقش قانون «دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی اصلاح‌شده» در ایالت کالیفرنیا و تأثیر «قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی» تمرکز دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد در غیاب رضایت صریح متوفی یا مجوز دادگاه آمریکایی، وراثت ایرانی عملاً نمی‌تواند به این دارایی‌ها دست

یابند، به‌ویژه با توجه به تحریم‌های مالی ایالات متحده علیه ایران. این تحلیل بر مبنای متون حقوقی ایالات متحده و بررسی چالش‌های عملی تنظیم شده است.

۳-۱- الزامات حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، انتقال ترکه به ورثه امری قهری است و از لحظه فوت مورث تحقق می‌یابد (ماده ۸۶۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷). وراثت برای اجرای حقوق خود باید گواهی انحصار وراثت دریافت کنند که بر اساس مواد ۳۶۰ تا ۳۷۴ قانون امور حسبی (مصوب ۱۳۱۹) صادر می‌شود. این گواهی حدود سهم‌الارث و اختیار تصرف قانونی را مشخص می‌کند و پس از پرداخت دیون و اجرای وصایا قابلیت اعمال دارد (ماده ۸۶۸ قانون مدنی). دارایی‌های دیجیتال در حقوق ایران ذیل اموال منقول طبقه‌بندی می‌شوند (ماده ۱۹ قانون مدنی) و مالیت عرفی آن‌ها طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) پذیرفته شده است. هرچند قانون تجارت الکترونیکی (مصوب ۱۳۸۲) در ماده ۲ داده‌پیام را معتبر دانسته، اما انتقال آن به موجب ارث را تصریح نکرده است. با وجود صدور گواهی انحصار وراثت، وراثت ایرانی برای دسترسی به دارایی‌های دیجیتال ذخیره‌شده در سامانه‌های آمریکایی مانند گوگل، اپل یا سایر پلتفرم‌ها باید از قوانین محلی ایالات متحده پیروی کنند، زیرا دارایی تابع قانون محل استقرار سرور تلقی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده، مانند فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲ مصوب ۲۰۲۰ که بخش‌های مالی ایران را هدف قرار می‌دهد، مانع تعامل حقوقی میان اتباع ایرانی و نهادهای آمریکایی است. بر اساس این تحریم‌ها که توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا اجرا می‌شود، انتقال دارایی‌های ایرانی به سیستم‌های مالی آمریکا ممنوع است و شرکت‌های آمریکایی از همکاری با اشخاص ایرانی منع شده‌اند. این امر وراثت را ناگزیر می‌سازد برای احقاق حقوق خود از طریق دادگاه‌های آمریکایی اقدام کنند، امری که هزینه‌بر، زمان‌بر و پیچیده است.

۳-۲- قانون دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی در ایالت کالیفرنیا

قانون یادشده در سال ۲۰۱۶ در ایالت کالیفرنیا لازم‌الاجرا گردید و به نمایندگان قانونی متوفی، مانند امینان یا وصیان، اجازه می‌دهد به دارایی‌های دیجیتال وی دسترسی یابند. این قانون مقرر می‌دارد کاربر می‌تواند از ابزارهای برخط برای تعیین اجازه یا منع افشای دارایی‌های دیجیتال استفاده کند و

در صورت نبود این تعیین، اجازه در وصیت‌نامه یا وکالت‌نامه قابل درج است. همچنین نگهدارنده دارایی‌های دیجیتال مانند شرکت‌های بزرگ فناوری موظفاند پس از ارائه مدارک لازم از جمله گواهی فوت و دستور دادگاه، مطابق درخواست امین عمل کنند. با این حال، در خصوص محتوای ارتباطات الکترونیکی مانند رایانامه‌ها محدودیت جدی وجود دارد؛ افشای این محتوا تنها در صورت رضایت صریح متوفی پیش از مرگ یا دستور ویژه دادگاه مجاز است. این اصل به‌منظور صیانت از حریم خصوصی وضع شده است. برای وراثت ایرانی، که باید اسناد رسمی چون گواهی فوت و انحصار وراثت را به دادگاه آمریکایی ارائه دهند، این روند بسیار دشوار است. علاوه بر آن، قوانین تحریم (از جمله مقررات معاملات و تحریم‌های ایران) شرکت‌های آمریکایی را از هرگونه انتقال اطلاعات به اشخاص ایرانی بازمی‌دارد، بنابراین حتی در صورت صدور حکم نیز ارائه‌دهندگان خدمات از افشای اطلاعات خودداری می‌کنند. در عمل نیز وراثت ناچارند وکیل محلی در آمریکا استخدام کنند که مستلزم هزینه و زمان قابل توجه است.

۳-۳- قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی و محدودیت‌های افشا

«قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی» مصوب ۱۹۸۶ افشای محتوای ارتباطات بدون مجوز را منع می‌کند. بر اساس مفاد این قانون، ارائه‌دهندگان خدمات الکترونیکی نمی‌توانند محتوای ارتباطات را به اشخاص ثالث، از جمله وراثت، افشا کنند مگر با رضایت مالک یا دستور صریح قضایی. هدف اصلی این قانون حمایت از حریم خصوصی کاربران است؛ از این رو در غیاب رضایت پیشین متوفی، دسترسی حتی برای وراثت نیز محدود می‌ماند. در پرونده معروف یاهو علیه وراثت، دادگاه عالی ماساچوست تأیید کرد که قانون یادشده مانع افشای محتوای رایانامه متوفی بدون رضایت است، هرچند نماینده قانونی در برخی موارد می‌تواند به‌صورت محدود رضایت دهد. برای وراثت ایرانی، این محدودیت‌ها به‌علت اعمال تحریم‌های بین‌المللی دوچندان است. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی، به استناد فرمان‌های اجرایی متعدد از جمله فرمان ۱۳۲۲۴، شرکت‌های دیجیتال را از ارائه خدمات به اتباع ایرانی منع کرده است. در نتیجه حتی با حکم قانونی، دارایی‌های الکترونیکی ممکن است غیرقابل انتقال تلقی شوند. افزون بر آن، رمزارزها با چالش‌های ویژه‌ای روبه‌رو هستند، زیرا در غیاب کلید خصوصی دسترسی به آن‌ها ناممکن است. فرمان‌های تحریم مالی یادشده نیز استفاده از رمزارز

برای دور زدن تحریم‌ها را جرم می‌دانند، از این رو وراث ایرانی در چنین مواردی حتی در معرض اتهام نقض تحریم قرار می‌گیرند. محدودیت‌های حقوق ایالات متحده، به ویژه RUFADAA و SCA، دسترسی ورثه ایرانی به دارایی‌های دیجیتال را دشوار می‌سازد. مواد ۸۷۵-۸۷۳ RUFADAA و SCA ۲۷۰۲ پایه‌های این محدودیت‌ها هستند، که با تحریم‌ها (فرمانی اجرایی ۱۳۹۰۲) تشدید می‌شوند.

۴- نقش شرایط استفاده و سیاست عمومی

اطلاعات یا دارایی‌های دیجیتال، که اغلب در پلتفرم‌های خارجی ذخیره می‌شوند، تحت تأثیر شرایط استفاده^۱ (TOS) ارائه‌دهندگان خدمات قرار دارند. در حقوق ایالات متحده، این شرایط می‌توانند بر قواعد سنتی ارث غلبه کنند، در حالی که در حقوق ایران، چنین توافقاتی اگر مغایر با قواعد آمره ارث و نظم عمومی باشند، باطل تلقی می‌شوند. این تعارض، به ویژه در سطح بین‌المللی، منجر به عدم دسترسی ورثه ایرانی به ترکه دیجیتال می‌شود. این بخش به تحلیل این نقش‌ها با استناد به قوانین ایالات متحده مانند (RUFADAA^۲) و (SCA^۳) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های ایالات متحده و اولویت حریم خصوصی، اجرای گواهی حصر وراثت ایرانی را مختل می‌کند، که مغایر با حقوق مکتسبه وراثت در ایران است. تحلیل بر پایه رویکرد مقایسه‌ای و فقهی-حقوقی تدوین شده است. در حقوق ایالات متحده، شرایط استفاده از خدمات دیجیتال جایگاه برجسته‌ای در تعیین دسترسی به دارایی‌های دیجیتال دارد و می‌تواند بر قواعد سنتی ارث غلبه کند. RUFADAA، که در بیش از ۴۸ ایالت از جمله کالیفرنیا اجرا می‌شود^۴، سلسله مراتبی سه‌گانه برای دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال برقرار می‌کند. بر اساس ماده ۸۷۳ RUFADAA، اولویت اول با ابزارهای آنلاین ارائه‌دهنده (مانند مدیر حساب غیرفعال گوگل^۵ - ابزاری است که کاربر گوگل از طریق آن تعیین می‌کند پس از دوره‌ای مشخص از عدم فعالیت، چه فرد یا نهادی مجاز به دسترسی، مدیریت

^۱ Terms of Service.

^۲ Revised Uniform Fiduciary Access to Digital Assets Act.

^۳ Stored Communications Act.

^۴ California Probate Code / ۸۷۰-۸۸۴.

^۵ Google Inactive Account Manager.



یا حذف داده‌ها و دارایی‌های دیجیتال وی باشد. - یا نماینده یادبود فیس‌بوک^۱ - فردی است که کاربر پیش از فوت خود تعیین می‌کند تا پس از مرگ، حساب کاربری او را به حالت یادبود تبدیل کرده و مدیریت محدود (مانند تغییر عکس پروفایل یا پاسخ به پیام‌های یادبود) بر آن داشته باشد) است که می‌تواند بر اسناد حقوقی مانند وصیت‌نامه یا اعتماد غلبه کند. اگر چنین ابزاری استفاده نشده باشد، اسناد حقوقی مانند وصیت‌نامه اولویت دوم را دارند (ماده ۸۷۴)، اما در غیاب هر دو، شرایط استفاده حاکم می‌شود (ماده ۸۸۰). این سلسله مراتب نشان می‌دهد که TOS می‌تواند دسترسی وراثت را محدود کند، حتی اگر ارث سنتی اجازه دهد. برای مثال، در پرونده Ajemian v. Yahoo! (۲۰۱۷)، دادگاه عالی ماساچوست تأکید کرد که SCA (۲۷۰۱ U.S.C. et seq)، بخشی از قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی^۲ (ECPA مصوب ۱۹۸۶)، افشای محتوای ارتباطات را بدون رضایت صریح ممنوع می‌کند (ماده ۲۷۰۲ SCA). این قانون، که برای حفظ حریم خصوصی طراحی شده، TOS را تقویت می‌کند و اغلب حساب‌ها را پس از مرگ غیرقابل انتقال می‌سازد. پلتفرم‌هایی مانند اپل یا گوگل در TOS خود مقرر می‌دارند که حساب‌ها شخصی و غیرقابل انتقال هستند، که بر ارث سنتی غلبه می‌کند مگر اینکه کاربر پیشاپیش رضایت دهد. تحلیل نشان می‌دهد که این رویکرد، ریشه در حقوق قرارداد^۳ دارد، جایی که TOS به عنوان قرارداد معتبر تلقی می‌شود و می‌تواند حقوق مالکیت پس از مرگ را محدود کند. علاوه بر این، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران (مانند فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲ مصوب ۲۰۲۰، اجرا توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده^۴ - TOS (OFAC) را با سیاست عمومی ترکیب می‌کند. این تحریم‌ها، که بخش‌های مالی ایران را هدف قرار می‌دهند، پلتفرم‌های آمریکایی را از انتقال دارایی به ایرانیان منع می‌کنند (ITSR ۵۶۰.۲۰۴). در نتیجه، حتی با حکم دادگاه، دسترسی ورثه ایرانی غیرممکن می‌شود، زیرا TOS با سیاست عمومی حفظ امنیت ملی همخوانی دارد. این غلبه TOS بر ارث سنتی، چالش‌های عملی ایجاد می‌کند، مانند از دست رفتن رمزارزها بدون کلید خصوصی. در حقوق ایران، توافقاتی که منجر

^۱ Facebook Legacy Contact.

^۲ Electronic Communications Privacy Act.

^۳ contract law.

^۴ Office of Foreign Assets Control.



به نقض قواعد آمره ارث و تضییع حقوق وراثت شوند، به دلیل تعارض با نظم عمومی، فاقد اعتبار هستند. قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی) ارث را قهری و الزامی می‌داند (ماده ۸۶۷: ارث از لحظه فوت تحقق می‌یابد). قواعد ارث آمره هستند (مواد ۸۶۱-۸۶۹)، بر پایه نسب و سبب، و نمی‌توان آن‌ها را با قرارداد تغییر داد. ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که قراردادها نباید مخالف قوانین آمره یا نظم عمومی باشند، وگرنه باطل‌اند. اصل ۴ قانون اساسی نیز قوانین را بر پایه فقه شیعه می‌داند، که ارث را حق شرعی غیرقابل نقض می‌شمارد. در زمینه دارایی‌های دیجیتال، TOS که دسترسی وراثت را ممنوع کند، مغایر با این قواعد است. ماده ۲۱۹ قانون مدنی اصل صحت قراردادها را تأیید می‌کند، اما ماده ۹۶۸ تأکید دارد که تعهدات قراردادی باید تابع قوانین محل انعقاد باشند، مگر مخالف نظم عمومی. اگر TOS منجر به تضییع سهم‌الارث شود (ماده ۸۶۲: طبقات وراثت)، باطل است، زیرا ارث بخشی از نظم عمومی است. برای مثال، ماده ۸۸۰ قانون مدنی موانع ارث مانند قتل را مشخص می‌کند، اما قرارداد را مانع نمی‌داند؛ لذا TOS خارجی نمی‌تواند حقوق وراثت را سلب کند. این تعارض در سطح بین‌المللی به وضعیتی منتهی می‌شود که در آن دادگاه‌های ایالات متحده، با استناد به اصل حفظ حریم خصوصی و سیاست عمومی داخلی، شرایط و ضوابط قراردادی پلتفرم‌های دیجیتال را معتبر دانسته و از شناسایی و اجرای گواهی انحصار وراثت صادره از مراجع ایرانی (مواد ۳۶۰ تا ۳۷۴ قانون امور حسبی) خودداری می‌کنند. قانون دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی اصلاح شده و قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی، اصل حریم خصوصی را بر قواعد ارث مقدم می‌دانند و بر اساس مقررات مربوط به منع افشای ارتباطات الکترونیکی، دسترسی وراثت را محدود می‌کنند. این رویکرد، در پیوند با تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران، عملاً امکان دسترسی اتباع ایرانی به دارایی‌های دیجیتال متوفی را مسدود می‌سازد. از منظر حقوق ایران، چنین رویکردی با قواعد آمره ارث و حقوق مکتسبه وراثت در تعارض آشکار است، زیرا مطابق ماده ۸۶۸ قانون مدنی، مالکیت وراثت پس از پرداخت دیون مستقر می‌شود و هیچ توافق خصوصی نمی‌تواند آن را نفی کند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایالات متحده، قرارداد خدمات دیجیتال و شروط یک‌جانبه پلتفرم‌ها بر مفهوم مالکیت و انتقال قهری ترکه غلبه دارد، در حالی که در حقوق ایران، ارث نهادی آمره و خارج از اراده اشخاص تلقی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده،

به‌ویژه فرمان اجرایی شماره ۱۳۹۰۲، این تعارض را تشدید کرده‌اند؛ زیرا پلتفرم‌های دیجیتال به استناد الزامات تحریمی از هرگونه انتقال داده یا دارایی به اشخاص ایرانی خودداری می‌کنند. هرچند در برخی دعاوی بین‌المللی، از جمله دعاوی مربوط به دارایی‌های مسدودشده ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۳، ایالات متحده به جبران خسارت محکوم شده است، اما استمرار تحریم‌ها مانع از تحقق عملی حقوق وراثت ایرانی شده است. در نتیجه، وراثت ناچار به طرح دعا در محاکم ایالات متحده می‌شوند؛ فرآیندی که پرهزینه، زمان‌بر و در اغلب موارد فاقد نتیجه مؤثر است. در اسناد بین‌المللی جدید، از جمله اصول حقوقی مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی درباره دارایی‌های دیجیتال مصوب ۲۰۲۳، پیشنهاد شده است که قواعد حقوق خصوصی بین‌المللی به‌طور خاص بر دارایی‌های دیجیتال اعمال شود، اما واقعیت آن است که تحریم‌های اقتصادی و مالی مانع اجرای مؤثر این پیشنهادها می‌گردد. تداوم این تعارض، عدالت توزیعی و امنیت حقوقی را تهدید می‌کند و ضرورت هماهنگی میان نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی را برجسته می‌سازد.

۵- تعارض قوانین و مسئله قانون حاکم

در حقوق ایران، اصل حاکمیت قانون ملی در امور ارث، اتباع ایرانی را تابع قانون ایران می‌داند، حتی در مواردی که اموال در خارج از کشور قرار داشته باشد (ماده ۷ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷). با این حال، رویه عملی نشان می‌دهد که قانون محل استقرار زیرساخت‌های فنی و سرورها، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا، نقش تعیین‌کننده‌تری در دسترسی به دارایی‌های دیجیتال ایفا می‌کند. این نوشتار به بررسی این تعارض می‌پردازد و با تمرکز بر تقدم قوانین ایالات متحده بر قواعد آمره ارث در حقوق ایران، تحلیل می‌کند که چگونه شرایط و ضوابط استفاده از خدمات دیجیتال می‌تواند بر قواعد تعارض قوانین اثرگذار باشد. یافته‌های این پژوهش بر مقررات ایران، از جمله قانون مدنی و قانون امور حسبی، و همچنین قوانین خاص ایالات متحده در زمینه دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی و حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی استوار است. در این چارچوب، به پرسش‌هایی اساسی پاسخ داده می‌شود؛ از جمله چگونگی دسترسی وراثت ایرانی به دارایی‌های دیجیتال، تعیین قانون حاکم میان قانون ایران یا قانون محل استقرار سرور آمریکایی، و امکان غلبه شروط قراردادی پلتفرم‌ها بر قواعد تعارض قوانین. در نظام تعارض قوانین ایران، اصل حاکمیت قوانین شخصی پذیرفته شده است.

ماده ۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که قوانین مربوط به احوال شخصیه، از جمله ارث، درباره کلیه اتباع ایران حتی در صورت اقامت در خارج از کشور اجرا می‌شود. این اصل که ریشه در فقه امامیه دارد و با اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تقویت شده است، ارث اتباع ایرانی را تابع قانون ملی آنان می‌داند، فارغ از محل استقرار اموال. بر این اساس، انتقال قهری ترکه به وراث از لحظه فوت مورث محقق می‌شود (ماده ۸۶۷ قانون مدنی) و وراث برای اعمال حقوق خود مکلف به اخذ گواهی انحصار وراثت هستند (مواد ۳۶۰ تا ۳۷۴ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹).

دارایی‌های دیجیتال، از منظر حقوق ایران، در زمره اموال منقول قرار می‌گیرند (ماده ۱۹ قانون مدنی) و اصل مذکور بر آن‌ها نیز قابل اعمال است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اموال دیجیتال می‌توانند جزء ترکه محسوب شده و موضوع ارث واقع شوند (ماده ۸۶۱ قانون مدنی در بیان موجبات ارث). با این وجود، فقدان مقررات صریح و اختصاصی درباره ارث دارایی‌های دیجیتال موجب بروز ابهام در رویه قضایی شده است. هرچند قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ داده‌پیام را معتبر می‌شناسد، اما به انتقال آن از طریق ارث تصریح نکرده است. همچنین مقررات مربوط به ارزش‌های رمزنگاری‌شده، از جمله پیش‌نویس‌های بانک مرکزی و مصوبات هیئت وزیران، صرفاً به مشروعیت استخراج پرداخته و وضعیت ارث را مسکوت گذاشته‌اند. از منظر فقهی، قواعد عامی چون قاعده تسلیط و قاعده ید بر دارایی‌های دیجیتال نیز قابل انطباق است و مالیت عرفی این دارایی‌ها بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل شناسایی است. بنابراین، وراث ایرانی می‌توانند با دریافت گواهی انحصار وراثت، مالکیت خود را نسبت به این دارایی‌ها اثبات کنند، اما دسترسی عملی به دارایی‌هایی که در زیرساخت‌های فنی خارج از کشور ذخیره شده‌اند، منوط به تبعیت از قوانین کشور میزبان خواهد بود. در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، در تعارض میان دستورات پیشین کاربر، شرایط قراردادی پلتفرم‌ها و حقوق وراثت، اولویت با اراده صریح کاربر متوفی یا شروط قراردادی ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال است. قانون دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی اصلاح شده، که در اغلب ایالت‌ها اجرا می‌شود، سلسله مراتبی سه‌گانه برقرار می‌کند: نخست، ابزارهای برخط تعیین تکلیف حساب توسط کاربر؛ دوم، اسناد حقوقی نظیر وصیت‌نامه؛ و در نهایت، شرایط و ضوابط قراردادی پلتفرم‌ها. در صورت فقدان هرگونه اراده صریح، ارائه‌دهندگان خدمات می‌توانند از

اعطای دسترسی خودداری کنند. همچنین قانون حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی، که بخشی از نظام حمایتی حریم خصوصی در ایالات متحده است، افشای محتوای ارتباطات الکترونیکی را بدون رضایت مالک یا مجوز قضایی ممنوع می‌داند. این مقررات، با تقویت اعتبار شروط قراردادی پلتفرم‌ها، غالباً حساب‌های کاربری را غیرقابل انتقال تلقی می‌کنند. افزون بر این، تحریم‌های مالی و اقتصادی ایالات متحده علیه ایران، به‌ویژه فرمان‌های اجرایی مرتبط با بخش مالی، دسترسی اتباع ایرانی به خدمات دیجیتال را به‌شدت محدود کرده است. این رویکرد در تعارض آشکار با قواعد آمره ارث در حقوق ایران قرار دارد. مطابق ماده ۹۶۸ قانون مدنی، تعهدات قراردادی تابع قانون محل انعقاد است مگر آنکه مخالف نظم عمومی باشد، و ماده ۹۷۵ همان قانون، اجرای قراردادهای مغایر با قوانین آمره یا نظم عمومی ایران را ممنوع می‌داند. بر این اساس، شرایط قراردادی پلتفرم‌ها که منجر به تضییع حقوق وراث شود، از منظر حقوق ایران فاقد اعتبار است؛ هرچند در عمل، شرکت‌های آمریکایی همان شروط را اجرا می‌کنند. وراث ایرانی برای دسترسی به دارایی‌های دیجیتال ذخیره‌شده در سامانه‌های آمریکایی، ابتدا باید گواهی انحصار وراثت اخذ کنند. سپس با ارائه گواهی فوت و در صورت لزوم دستور دادگاه، می‌توانند بر اساس قوانین ایالات متحده درخواست دسترسی یا مدیریت حساب را مطرح نمایند. با این حال، دسترسی به محتوای ارتباطات الکترونیکی تنها در صورت رضایت صریح متوفی پیش از فوت یا صدور حکم خاص از سوی دادگاه‌های آمریکایی امکان‌پذیر است. در عمل، وراث ناچار به طرح دعوا در محاکم ایالات متحده و استخدام وکیل محلی می‌شوند که فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر است. در خصوص ارزهای رمزنگاری‌شده نیز، در صورت فقدان کلید خصوصی، دسترسی به دارایی عملاً غیرممکن خواهد بود. از این‌رو توصیه می‌شود مورثان در وصیت‌نامه خود، ضمن تعیین تکلیف دارایی‌های دیجیتال، رضایت به افشا و اطلاعات دسترسی را نیز پیش‌بینی کنند (ماده ۸۲۶ قانون مدنی). از دیدگاه نظری، قانون ایران بر ارث اتباع ایرانی حاکم است (ماده ۶ قانون مدنی). با این حال، در عمل، قانون محل استقرار سرور و شرکت ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال، یعنی قانون ایالات متحده، نقش تعیین‌کننده دارد؛ زیرا دارایی‌های دیجیتال فاقد مرز فیزیکی‌اند و تحت سلطه قوانین محلی قرار می‌گیرند. قوانین آمریکایی با تقدم دادن به حریم خصوصی بر ارث، و در ترکیب با تحریم‌های اقتصادی، دسترسی ایرانیان را مسدود کرده و موجب عدم شناسایی عملی حقوق

وراث می‌شوند. در نظام حقوقی ایالات متحده، شرایط و ضوابط قراردادی پلتفرم‌های دیجیتال می‌تواند بر قواعد سنتی ارث غلبه یابد. در مقابل، در حقوق ایران، چنین توافقاتی در صورت تعارض با نظم عمومی و قواعد آمره ارث، باطل و غیرقابل اجرا هستند (ماده ۹۷۵ قانون مدنی). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که از منظر نظری، شروط قراردادی نمی‌توانند بر قواعد تعارض قوانین و نهاد آمره ارث غلبه کنند، اما در عمل، پلتفرم‌های خارجی اجرای همان شروط را در اولویت قرار می‌دهند.



نتیجه گیری

پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی و تحلیلی، به بررسی تعارض قوانین در دسترسی وراث ایرانی به دارایی‌های دیجیتال متوفی ذخیره شده در پلتفرم‌های آمریکایی پرداخته و نشان داده است که شکاف میان نظام حقوقی ایران و ایالات متحده، چالشی بنیادین در تحقق عدالت ارثی در عصر دیجیتال پدید آورده است. در نظام حقوقی ایران، ارث نهادی آمره و قهری است که بر اساس قواعد فقهی، اصول قانون اساسی و مواد قانون مدنی، مالکیت وراث از لحظه فوت مورث تحقق می‌یابد. قانون مدنی و قانون امور حسبی، با تأکید بر اصل انتقال قهری ترکه، تمامی اموال متوفی، اعم از مادی و غیرمادی، را مشمول ارث می‌دانند. بر این مبنا، دارایی‌های دیجیتال نیز به عنوان اموال منقول غیرمادی، می‌توانند جزء ترکه محسوب شوند و وراث نسبت به آن‌ها دارای حق مالکیت قهری باشند. اما تحقق این حق در عمل با موانع جدی روبه‌روست، زیرا دارایی‌های دیجیتال غالباً در بسترهای فنی و حقوقی خارج از حاکمیت ایران ذخیره می‌شوند و انتقال یا دسترسی به آن‌ها مستلزم تعامل با نهادها و قوانین خارجی است. نخستین مانع بنیادین در این زمینه، فقدان قانون خاص در نظام حقوقی ایران برای دارایی‌های دیجیتال است. قوانین فعلی از جمله قانون مدنی، قانون امور حسبی، قانون تجارت الکترونیکی و قانون جرائم رایانه‌ای، هرچند ظرفیت شمول این دارایی‌ها را در قالب اموال یا داده‌های قابل حمایت دارند، اما هیچ‌کدام به‌صراحت به موضوع ارث دیجیتال نپرداخته‌اند. بدین ترتیب، در غیاب مقررات خاص، قواعد عام ارث اعمال می‌شود، ولی این قواعد برای مواجهه با ماهیت فناورانه و فرامرزی دارایی‌های دیجیتال کافی نیستند. مسئله کلیدی در این میان، ترکیب ماهیت مالکیت بر داده، نقش ابزارهای فنی مانند کلید خصوصی و محدودیت‌های قراردادی ناشی از «شرایط استفاده خدمات دیجیتال» است که در قوانین ایران جایگاه روشنی ندارند. بنابراین، نخستین نتیجه این پژوهش تأکید بر ضرورت تدوین قانون ویژه درباره ترکه دیجیتال است تا ضمن شناسایی صریح دارایی‌های دیجیتال به‌عنوان مال قابل ارث، شیوه‌های فنی و حقوقی دسترسی وراث و حدود مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات را مشخص سازد. در گام دوم، تعارض میان قواعد آمره ارث در حقوق ایران و شروط قراردادی پلتفرم‌های خارجی مهم‌ترین عامل محدودیت دسترسی وراث به ترکه دیجیتال محسوب می‌شود. در نظام حقوقی ایالات متحده، رابطه میان کاربر و ارائه‌دهنده خدمات

دیجیتال تابع قرارداد خصوصی است و قواعدی چون قانون «دسترسی امینان به دارایی‌های دیجیتال متوفی اصلاح‌شده» و قانون «حفظ محرمانگی ارتباطات الکترونیکی» تقدم شروط قراردادی و اصل رضایت را بر قواعد ارث مقرر کرده‌اند. این امر به معنای محدود کردن اصل انتقال قهری ترکه و مشروط ساختن آن به رضایت پیشین متوفی یا حکم خاص قضایی است. از سوی دیگر، تحریم‌های مالی و فناوری نیز به عنوان عامل سیاست عمومی در ایالات متحده عمل می‌کنند و با منع تعامل شرکت‌های آمریکایی با اتباع ایرانی، حتی دستیابی به حکم قضایی را بی‌اثر می‌سازند. بنابراین، در مقام اجرا، حقوق وراث ایرانی در برابر قواعد سرزمینی ایالات متحده و سیاست‌های تحریمی دچار انسداد عملی می‌شود و مالکیت قهری آنان بر دارایی‌های دیجیتال عملاً بلااثر می‌ماند. از سوی دیگر، ماهیت غیرعینی و فناوریانه دارایی‌های دیجیتال، تحقق حق وراث را به ابزارهای فنی گره می‌زند؛ دارایی‌هایی مانند رمزارز بدون کلید خصوصی یا حساب‌های ابری بدون گذرواژه عملاً غیرقابل دسترسی‌اند، حتی اگر قانوناً به وراث منتقل شده باشند. این امر نشان می‌دهد که مفهوم «مالکیت» در فضای دیجیتال از جنبه فیزیکی فاصله گرفته و به امری «دسترسی‌محور» (ناظر بر توان اعمال اراده) تبدیل شده است. در چنین وضعیتی، اصل انتقال قهری ترکه نیازمند تفسیر نوین است تا با ویژگی‌های فنی مالکیت دیجیتال سازگار گردد. بنابراین، برای تحقق عدالت ارثی، وصیت‌نامه دیجیتال و تعیین تکلیف ابزارهای دسترسی در زمان حیات مورث اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و می‌تواند از تضییع کامل ترکه دیجیتال جلوگیری کند. از منظر فقهی، قواعد کلانی چون «تسلیط» و «ارث» بر مالکیت مشروع تأکید دارند و دارایی‌های دارای ارزش عرفی و قابلیت انتفاع عقلایی، از جمله دارایی‌های دیجیتال، را مشمول انتقال قهری می‌دانند. اما بدون چارچوب اجرایی مشخص، این احکام نظری در عمل به نتیجه نمی‌رسند. اجرای فقهی این قواعد نیازمند ابزارهای قانونی برای اثبات مالکیت و دسترسی مشروع است. در فقه، وصیت ابزاری مشروع برای انتقال بخشی از اموال است (ماده ۸۲۶ قانون مدنی)؛ لذا ایجاد امکان تنظیم وصیت‌نامه دیجیتال، به گونه‌ای که اطلاعات دسترسی و رضایت به افشا در آن درج شود، می‌تواند خلأ میان قواعد فقهی و محدودیت‌های قراردادی را پر کند. در بعد بین‌المللی، تعارض قوانین میان قانون ملی ایران و قانون محل استقرار سرور آمریکایی به گونه‌ای است که در عمل، قانون ایالات متحده بر روابط حقوقی حاکم می‌شود؛ زیرا پلتفرم‌های دیجیتال تابع قوانین

کشور محل ثبت هستند و استناد به قانون ملی ایران برای آنان الزام آور نیست. از این رو، وراث ایرانی برای احقاق حقوق خود راهی جز مراجعه به دادگاه‌های آمریکا ندارند؛ امری که نه تنها با هزینه‌های سنگین و پیچیدگی‌های دادرسی همراه است، بلکه در بسیاری موارد به دلیل تحریم‌های شمولی بر اتباع ایرانی امکان‌پذیر نیست. این وضعیت از دیدگاه عدالت بین‌المللی نیز ناعادلانه است، زیرا حقوق مکتسبه وراث تابع خارجی را صرفاً به دلیل تابعیت ملی محدود می‌کند. بر اساس اصول حقوق بین‌الملل خصوصی و مواد ۷ و ۹۶۸ قانون مدنی ایران، قانون شخصی متوفی باید بر ارث حاکم باشد، اما سلطه پلتفرم‌های بین‌المللی و قلمروی حضوری فناوری، اجرای این قواعد را با چالش مواجه کرده است. در واقع، می‌توان گفت تحریم‌ها و قواعد قراردادی پلتفرم‌ها، کارکرد قانون حاکم را از نظام حقوقی ملی به نظام حقوقی شرکت‌های دیجیتال سوق داده‌اند. در مقایسه تطبیقی، حقوق ایران با تکیه بر قاعده انتقال قهری و حمایت از وراث پس از فوت، نظامی مبتنی بر عدالت توزیعی ارائه می‌دهد؛ در حالی که حقوق ایالات متحده با رویکرد مبتنی بر حریم خصوصی و اراده فردی، مالکیت پس از مرگ را وابسته به رضایت پیش‌بینی‌شده یا حکم قضایی می‌کند. این تمایز بنیادین در مبنا، علت اصلی تعارض میان دو نظام است. در ایران، ارث از سنخ حقوق عمومی است و در دایره آزادی قراردادی قرار نمی‌گیرد؛ در مقابل، در آمریکا ارث در بستر قراردادهای خدماتی و حریم اطلاعاتی تحلیل می‌شود. بنابراین، در نظام آمریکایی، قانون از مالکیت به رضایت تغییر جهت داده است. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که استمرار این تعارض منجر به خطر گم‌شدن ترکه دیجیتال، تضییع حقوق وراث و بروز بی‌عدالتی‌های گسترده اجتماعی خواهد شد. بسیاری از دارایی‌های دیجیتال ارزش اقتصادی فراوانی دارند و از بین رفتن آن‌ها آثار مالی و روانی قابل توجهی بر خانواده متوفی می‌گذارد. بی‌توجهی قانون‌گذار به این مسئله، موجب ناپایداری در نظام اقتصادی خانواده و بی‌اعتمادی نسبت به عدالت حقوقی می‌شود.

بر پایه یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر برای اصلاح وضعیت موجود پیشنهاد می‌گردد:

۱. تدوین قانون خاص ارث دیجیتال در ایران که ضمن تعریف دقیق دارایی‌های دیجیتال، نحوه شمول آن‌ها در ترکه، وظیفه ارائه‌دهندگان خدمات و ابزارهای فنی دسترسی وراث را تنظیم کند.

۲. پذیرش وصیتنامه دیجیتال رسمی به عنوان سند حقوقی معتبر برای تعیین تکلیف دارایی‌های دیجیتال و فراهم‌سازی سازوکار ثبت امن آن در دفاتر اسناد رسمی یا سامانه‌های دولتی.

۳. الزام شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات داخلی به تدوین سیاست‌های ارث دیجیتال مطابق قواعد آمره ارث ایران و تسهیل انتقال حساب‌های غیرفعال به وراثت پس از ارائه مدارک معتبر.

۴. برقراری همکاری‌های حقوقی بین‌المللی میان ایران و شرکت‌های خارجی برای شناسایی متقابل گواهی انحصار وراثت، مشابه توافقات شناسایی اسناد مدنی.

۵. اصلاح مقررات تحریم در سطح بین‌المللی یا ایجاد استثنایان انسان‌دوستانه برای دسترسی به دارایی‌های دیجیتال متوفیان ایرانی به عنوان اموال خانوادگی.

۶. تقویت آگاهی عمومی و آموزش حقوقی کاربران درباره تنظیم تکلیف دارایی‌های دیجیتال در زمان حیات، به‌ویژه از طریق وصیتنامه و ابزارهای تعیین نماینده.

به‌عنوان جمع‌بندی نهایی، می‌توان نتیجه گرفت که دسترسی وراثت ایرانی به دارایی‌های دیجیتال در پلتفرم‌های آمریکایی، نمادی از تعارض میان دو نظام ارزشی است: از یک‌سو نظام مبتنی بر قواعد شرعی و آمره ارث در حقوق ایران که قصد حمایت از عدالت قهری دارد، و از سوی دیگر نظام مبتنی بر حریم خصوصی و قراردادی در حقوق آمریکا که حفظ اراده فردی و امنیت اطلاعات را در اولویت می‌گذارد. برون‌رفت از این تعارض، مستلزم همگرایی میان قواعد سنتی و ویژگی‌های نوپدید فضای دیجیتال است. تنها از طریق هم‌افزایی میان تقنین داخلی، اصلاح رویه قضایی و تعاملات بین‌المللی می‌توان تضمین کرد که حقوق وراثت در عصر دیجیتال، مطابق با اصول عدالت، نظم عمومی و موازین شرعی تحقق یابد. در غیر این صورت، «میراث دیجیتال» که بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی نوین

انسان است، به عرصه‌ای بی‌قانون و فراموش شده بدل خواهد شد و عدالت ارثی در فضای مجازی تحقق نخواهد یافت.



منابع

۱. ایران‌نژاد، محمدرضا، عزیزی مرادپور، حمید و پروین، فرهاد . (۱۴۰۱). چالش‌ها و راهکارهای دسترسی به حساب کاربری ایمیل بعد از فوت کاربر «در حقوق ایالات متحده آمریکا». پژوهش‌های حقوقی، ۲۱(۵۱)، ۳۹۱-۴۱۷.
۲. ایوبی، ستاره، محمدی، سام و حسینی مقدم، سیدحسن. (۱۴۰۳). جایگاه ارث اموال دیجیتالی در حقوق ایران. حقوق فناوری های نوین، ۵(۱۰)، ۴۹-۶.
۳. تقی پور درزی نقیعی، محمد حسین، رمضان زاده، ام‌البین و فتاحی، علیرضا . (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی تعارض حقوق ذی‌نفعان در مدیریت دارایی مجازی پس از فوت در حقوق ایران و ایالات متحده (با تأکید بر قانون (RUFADAA)). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی.
۴. جدیدی سرای، سلیمان و ایزدخواه، احسان، ۱۴۰۴، تاثیر حقوق خصوصی بر ارث و وراثت در جوامع دیجیتال و فضای مجازی، سومین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران.
۵. خجندی جزی، نرگس ، پروین، خیرالله و میرزاده کوهشاهی، نادر . (۱۴۰۴). فرصت‌ها و چالش‌های دارایی‌های دیجیتال از منظر حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران و کانادا. فلسفه حقوق.
۶. محمودی پرچینی، مرتضی ، ریاضی، لادن ، پور ابراهیمی، علیرضا و امین موسوی، سید عبدالله (۱۴۰۳). مقایسه قوانین حفاظت از داده‌های شخصی: مقررات عمومی منحصر به فرد تحت مقررات حفاظت از داده‌های عمومی اتحادیه اروپا (GDPR) و قوانین ایالات متحده. فصلنامه علوم خبری، ۱۳(۴)، ۲۰۴-۲۲۴.
۷. ملک زاده، رحیم، ۱۴۰۴، چالش‌های حقوقی انتقال اموال دیجیتال در فوت اشخاص در نظام حقوقی ایران، چهاردهمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، تهران.



۸. میرشکاری، عباس، فتاحی کتبی لته، علیرضا، وصیت حساب‌های مجازی، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، ش ۴۷، ۱۴۰۰.

۹. وصالی ناصح، مرتضی و رحمانی، شهرام. (۱۴۰۳). ماهیت و آثار حقوقی حق بر حساب کاربری. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۷)، ۱۹۷-۲۳۰.

۱۰. وصالی ناصح، مرتضی، (۱۳۹۷). نظریه اموال و مالکیت در فضای مجازی، رساله دکتری، دانشگاه قم، زمستان.

۱۱. California Senate Bill No. ۱۴۵۸, Chapter ۷۹۹ (Cal. Stat. ۲۰۲۴).

۱۲. Internal Revenue Code, ۲۶ U.S.C. § ۱۰۱۴ (۲۰۱۸).

۱۳. Revised Uniform Fiduciary Access to Digital Assets Act, Cal. Prob. Code §§ ۸۷۰-۸۸۴ (West ۲۰۱۷).

۱۴. Stored Communications Act, ۱۸ U.S.C. §§ ۲۷۰۱-۲۷۱۳ (۲۰۱۸).

۱۵. Agarwal, S., & Nath, A. (۲۰۲۵). Digital Inheritance: Scope and Challenges. Mathematics and Computer Science: Research Updates Vol. ۳, ۱۵-۲۳.

۱۶. Bessarab, N. S. (۲۰۲۰, May). Digital right in the field of inheritance. In ۲nd International Scientific and Practical Conference “Modern Management Trends and the Digital Economy: from Regional Development to Global Economic Growth”(MTDE ۲۰۲۰) (pp. ۳۶۶-۳۷۰). Atlantis Press.

۱۷. Edwards, L., & Harbinja, E. (۲۰۱۳). “What happens to my Facebook profile when I die?”: Legal issues around transmission of digital assets on death. In Digital legacy and interaction: Post-mortem issues (pp. ۱۱۵-۱۴۴). Cham: Springer International Publishing.

۱۸. Eichler, A. C. (۲۰۱۶). Owning What You Buy: How iTunes Uses Federal Copyright Law to Limit Inheritability of Content, and the Need to Expand the First Sale Doctrine to Include Digital Assets. Hous. Bus. & Tax LJ, ۱۶, ۲۰۸.



۱۹. Harbinja, E. (۲۰۲۲). Digital death, digital assets and post-mortem privacy: Theory, technology and the law. Edinburgh University Press.
۲۰. Harbinja, E., & Pearce, H. (۲۰۲۰). Your data will never die, but you will: A comparative analysis of US and UK post-mortem data donation frameworks. Computer Law & Security Review, ۳۶, ۱۰۵۴۰۳.
۲۱. Juhász, Á. (۲۰۲۰). Digital Assets and Their Assessment in Private Law with Special Regard on Inheritance Law Provisions. Revista de Derecho Privado, (۴۹), ۱۱۳-۱۴۷.
۲۲. Sheridan, P. (۲۰۲۰). Inheriting digital assets: does the revised uniform fiduciary access to digital assets act fall short?. Ohio St. Tech. LJ, ۱۶, ۳۶۳.
۲۳. Szwajdler, P. (۲۰۲۳). Digital assets and inheritance law: How to create fundamental principles of digital succession system?. International Journal of Law and Information Technology, ۳۱(۲), ۱۴۴-۱۶۸.



Conflict of Laws in Inheritance in the Digital Cloud Space

Mohammad-Mehdi Azizollahi ^۱ / Zahra Kordzadeh ^۲

Article Number: JHVMN-۲۶۱۰-۱۳۶۴

Abstract

The present study, adopting a descriptive-analytical and comparative approach, examines conflicts of laws in the inheritance of digital assets, with a focus on assets stored in cloud-based environments and foreign digital platforms, particularly those of the United States of America. In terms of purpose, the research is fundamental, and in terms of nature, it is analytical-comparative. The method of data collection is library-based, and the data have been gathered through the study of legal documents, domestic and foreign regulations, judicial decisions, legal doctrine, and authoritative scholarly articles. The findings of the research indicate that in Iranian law, the principle of compulsory transfer of the estate, as a mandatory rule, encompasses all property of the deceased, whether tangible or intangible, and digital assets, in view of their customary pecuniary value, rational usability, and capability of exclusive attribution, are also considered part of the estate. Nevertheless, the absence of specific regulations concerning digital estates, together with the technological nature of these assets and their dependence on access instruments, has posed serious challenges to the effective realization of heirs' rights. By contrast, in the legal system of the United States, the precedence of privacy protection and contractual terms governing digital services over traditional rules of inheritance leads to the restriction of the principle of compulsory transfer and renders heirs' access contingent upon the prior consent of the deceased or a judicial decision. Furthermore, financial and technological sanctions have confronted the practical realization of Iranian heirs' rights with additional obstacles. The results of the study demonstrate that the conflict between the personal law of the deceased in Iranian law and the law of the place where digital infrastructures are located in United States law results in the weakening of legal certainty and distributive justice in inheritance within the digital sphere, thereby underscoring the necessity of enacting a specific legal framework for digital inheritance, granting formal recognition to digital wills, and pursuing international legal coordination.

Keywords: conflict of laws, digital inheritance, cloud assets, compulsory transfer of the estate, contractual terms, digital privacy.

^۱. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. mm.azizollahi@qom.ac.ir

^۲. PhD Student, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) kordzadehzahra@gmail.com

